



میراث فرهنگی آیینہ بشریت است

معماری، ادبیات و هنر - که همگی تجلی های ژرف انسانی در جهان مادی اند که تعریف می کنند ما که هستیم - روح زمانه ما را انعکاس می دهند و بشریت و تجارب بی انتهای عصر ما را در زیست انسانی ای که ناپایدار و ناماناست را به منصف ظهور می رسانند.

آن ها ما را قادر می سازند تا به اعقاب و نوادگان مان بگوییم ما که بودیم، بر سر چه ایستاده بودیم و چه بدست آوردیم. آن آزمون های سخت و پیروزی های ما را روایت می کنند و خرد دشواری را که از رهگذر آزمون و خطا بدست آمده برای نسل های آینده به ارمغان می آورند.

این تجلیات، آموزنده، انگیزاننده و الهام بخش نوآوری هستند. آن ها پایه ای را فراهم می آورند تا بر مبنای آن گذشته مان را بشناسیم به این منظور که آینده مان را بسازیم. و دست آخر آنکه، این تجلیات از بسیاری جهات خشت خشت بنای بنیادین ما، یعنی قانون اساسی ما را قوام می بخشند. آن ها هویت ما را تقویت می سازند و به سان گواهی استوار بر تداوم داستان بشریت و غنای تنوع ما به کار می آیند.

"میراث فرهنگی [حقیقتاً] آیینہ بشریت" و سرچشمه تجربیات انسانی در طول اعصار بوده است. بنابراین، نمی بایست موجب شگفتی باشد که حملات عمدی به چنین نمودهای به غایت مهم هویت ما، به صورت فزاینده ای به

❖ آنچه در پی می آید ترجمه مقاله ای انگلیسی است.^{۳۲۱}

فرهنگ یک ملت، همانطور که زمانی "ماهاتما گاندی" گفته بود، می تواند در دل و روح افراد آن ملت سکنی داشته باشد؛ با این وجود و به یقین، فرهنگ ملموس ترین شکل خود را در تجلیات خلاقانه بناسازی و نوآفرینی پذیراست که پیچ و خم تاریخ را به سلامت پشت سر می نهند.

«تاج محل» در هند، ویرانه های باستانی «تخت جمشید» در ایران، «اهرام بزرگ جیزه» در مصر، «دیوار بزرگ» چین، «افسوس» در ترکیه امروزی، «آکروپولیس» آتن و یا «تیمبوکتو» در مالی را - تنها به عنوان معدودی از نمونه ها - در نظر بگیرید! تمام این مکان های میراث جهانی، بی درنگ حواس ما را به جریان انداخته و کنجکاو مان نسبت به گذشته را بر می انگیزند. بدون این شگفتی های فرهمند، که جهان معاصر مان را می آرایند و دنیای فردایمان را غنی می سازند، هست ما چقدر معمولی و خیال زایی ما تا چه میزان خشک و بی روح بود.

^۱ نام کامل مقاله عبارت است: «دیوان کیفری بین المللی و اموال فرهنگی: اجرای حقوقی تقویت شده حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه» منتشر شده در تارنمای «عدالت کیفری بین المللی امروز» در مورخه ۲۲ ژوئن ۲۰۱۶.

^۲ سام ساسان شعاع منش، ایرانی الاصل، دستیار عالی ویژه دادستان دیوان کیفری بین المللی از سال ۲۰۱۳ میلادی و عضو کارگروه دادستانی دیوان در تدوین خط مشی دادستانی در ارتباط با اموال فرهنگی می باشد.

^۳ ژیل دیوتتر وکیل ارشد دادستانی در پرونده المهدی و عضو کارگروه تدوین خط مشی دادستانی در ارتباط با اموال فرهنگی می باشد.

متابه امر نفرت برانگیز نزد منش فرهنگی مان در قرن حاضر دیده می شود.

حملات عمدی به اموال فرهنگی: روندی به صورت فزاینده شایع و نگران کننده

با این وجود، فارغ از تأثیرات مخرب «جنگ جهانی دوم»، تنها در همین چند دهه گذشته، ما شاهد جنگ های غیرقانونی و ایدئولوژی های افراطی بوده ایم که باعث رنج و تخریب وصف ناپذیری شده اند که با غارت و تخریب آثار باستانی همراه بوده است.

حملات عمدی به «پل قدیمی شهر موستار» که امروزه در بوسنی و هرزگووین قرار دارد؛ محاصره ویرانگر «شهر قدیمی دوبروونیک» در کرواسی (۱۹۹۱)؛ بوداهای مخدوش و معیوب «بامیان» در مرکز افغانستان (۲۰۰۱)؛ هتک حرمت اماکن مذهبی و بناهای تاریخی در «تیمبوکتو» در مالی؛ و اخیراً، اماکن باستانی در «موصل» عراق (۲۰۱۴) و «پالمیرا» (تدمر) در سوریه (۲۰۱۵)، همگی به روندی نگران کننده اشاره دارند.

کوتاه سخن آنکه در روزگار ما، حملات سرکشانه عمدی به اموال فرهنگی با تواتری هشدار دهنده واقع می شوند و تداوم می یابند تا نه تنها جوامعی که بطور مستقیم از چنین زیان بی حدی متاثر شده اند، بلکه کل بشریت را نابود سازند.

با شدت ادامه پیدا کردن مخاصمات در بخش های زیادی از جهان، وارد شدن خسارت بیشتر به اموال فرهنگی، به عنوان یک احتمال واقعی باقی می ماند. در لیبی، به عنوان نمونه، بی ثباتی سیاسی مداوم و خلاء امنیتی پایدار اماکن ارزشمند باستانی این کشور را بسیار آسیب پذیر کرده است.

مسئولیت حفاظت کردن از میراث مشترک مان

ما مسوولیت داریم تا موهبت جهانی داشتن میراث مشترکمان را حفاظت کنیم. ما می بایست از همه ابزارهایی که در اختیار داریم برای مقابله با مصیبت تخریب عمدی اموال فرهنگی استفاده کنیم. برای این هدف، ما می بایست ظرفیت هایمان را تقویت کرده و سرمایه های لازم را پرورش دهیم. برای مواجهه با این چالش، البته رویکردی چندوجهی و چندرشته ای مورد نیاز است.

هرگاه اوضاع و احوال ایجاب کند، یک واکنش نظامی مجاز از منظر قانون و در انطباق کامل با «حقوق حاکم در جنگ» (*jus in bello*) می تواند برای ممانعت کردن از تخریب اموال فرهنگی تجویز شود. همچنین، آموزش و تربیت ذینفعان مرتبط، شامل پرسنل نظامی درگیر در عملیات های نظامی، بعنوان یک ابزار پیشگیری، مورد نیاز جدی است. کار پیشتازانه «یونسکو» در این زمینه، ستودنی است و می بایست کاملاً مورد پشتیبانی کامل واقع شود.

مجازات و بازدارندگی از رهگذر قانون، مولفه مهم دیگر در مقابله با بلای تخریب عمدی اموال فرهنگی است. خوشبختانه، متون و چارچوب حقوقی لازم برای آن، از پیش در دست است. از «مقررات لاهه» ۱۹۰۷؛ «پیمان رریخ» ۱۹۳۵؛ «کنوانسیون لاهه برای حفاظت از اموال فرهنگی در صورت بروز مخاصمات مسلحانه» ۱۹۵۴ و پروتکل های آن (۱۹۵۴ و ۱۹۹۹)؛ «کنوانسیون یونسکو در رابطه با حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان» ۱۹۷۲؛ تا «اعلامیه یونسکو درباره تخریب عمدی میراث فرهنگی»، مصوب اکتبر ۲۰۰۳، در میان اسناد دیگر، همگی برای تاکید بر اهمیت حفاظت از میراث فرهنگی و ایجاد تعهداتی برای پاسداری از اموال فرهنگی در برابر حمله مسلحانه هدف گذاری شده اند. اگرچه در حال حاضر، «کنوانسیون لاهه» از ۱۲۷ دولت عضو بهره مند است، و فصل چهارم «پروتکل دوم» آن، شرایطی که تحت آن مسئولیت کیفری فردی تحمیل می شود را تعریف می



کند، اما تعقیب در سطح ملی، در بهترین حالت، نادر و اغلباً مفقود هستند. بنابراین، چالش واقعی، تا حد زیادی، در کمبود اجرای موثر و مستمر قانون مستتر است.

نقش «دیوان کیفری بین المللی»

با لازم الاجرا شدن «اساسنامه رُم» در ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۲ و ایجاد «دیوان کیفری بین المللی» (دیوان)، جهان برای نخستین بار، به یک سازوکار قضایی بین المللی مستقل با اختیاراتی نسبت به محاکمه افرادی که دارای بیشترین مسئولیت در رابطه با تخریب مهارناشدنی اموال فرهنگی در جریان مخاصمات مسلحانه هستند، مجهز شد.

در واقع، به موجب ماده ۸ معاهده موسس دیوان، حملات عمدی به ساختمان هایی که، از جمله، به امور دینی یا هنری اختصاص داده شده اند، و یا بناهای تاریخی، سازنده یک "جرم جنگی" می باشند. همچنین، چنین اعمالی، بسته به شرایط، می توانند سازنده فعل "تعقیب و آزار" ذیل ماده ۷ به مثابه یک جرم علیه بشریت باشند. دیوان با ۱۲۴ دولت عضو خود که تعدادشان رو به افزایش است و در انطباق با ماموریت خود می تواند کمک شایانی، به عنوان بخشی از یک پاسخ جامع، به پاسداری و حفاظت از اموال فرهنگی کند. دیوان تمامی زرادخانه قانونی لازم را بمنظور ایفای موثر این نقش حیاتی، مد نظر دارد.

این مفهومی نظری نیست

مدت ها پیش از آنکه تخریب اماکن تاریخی در سوریه و عراق توجه جهانیان را جلب کند، دادستان دیوان، «خانم فاتو بن سودا»، بر نیاز به مهار تخریب حساب شده اموال فرهنگی محافظت شده در چارچوب قانونی دیوان تاکید کرده بود. اقدام دفتر دادستانی دیوان در رابطه با وضعیت «مالی» مثالی از آن است.

همانطور که در حال حاضر در سطح گسترده ای گزارش شده است، در سپتامبر ۲۰۱۵، بر اساس اسناد ارائه شده توسط دادستان، دادستان دیوان، قرار جلبی علیه آقای "احمد الفقی المهدی"، عضو گروه «انصارالدین» وابسته به «القاعده» در «مغرب اسلامی»، صادر کردند. در ماه مارس سال جاری، شعبه پیش-دادرسی دیوان تشخیص داد که ادله ارائه شده توسط دادستان برای ایجاد مبنای محکمی برای باورمندی به آنکه مظنون از حیث کیفری در ارتباط با جرم جنگی هدایت عامدانه حملات به شماری از آثار تاریخی و ابنیه دینی در «تیمبوکتو» (در مالی) در ماه های ژوئن و ژوئیه ۲۰۱۲ مسوول می باشد، کفایت می کند.

همانطور که در اظهارات آغازین دادستان در جلسه استماع تایید اتهامات آمده است، "تیمبوکتو" - که اکنون در فهرست میراث جهانی «یونسکو» به ثبت رسیده - در سده های ۱۵ و ۱۶ [میلادی]، به یکی از پایتخت های فکری و معنوی آفریقا تبدیل شد. [این شهر] نقشی اساسی در گسترش اسلام ایفا نمود. مهد آموزش بود و مکان روشنگری برای نسل هایی از دانش آموزان که دانشمندان بسیاری را نیز جذب می نمود. دادستان افزود که تخریب «تیمبوکتو» "به منزله نابودی سازه هایی است که ویرانی های اعصار را پشت سر گذاشته بودند و به عنوان شاهدی بر گذشته پُر شکوه «تیمبوکتو» و جایگاه والای آن در تاریخ و مردم آن [کشور] در طول نسل ها باقی مانده بودند."

خاطر نشان ساختن این نکته نیز مهم است که، در راستای تعهد دادستان به جلوگیری از این تبهکاری، «دفتر دادستانی»، خط مشی جامعی را در رابطه با اموال فرهنگی مورد حمایت، مطابق با «اساسنامه رم» تدوین خواهد نمود. کار بر روی این خطی مشی در سه ماهه آخر سال ۲۰۱۶ میلادی و پس از نهایی شدن و به جریان انداختن رسمی «خط مشی دفتر دادستانی در رابطه با کودکان» در حاشیه اجلاس آتی مجمع دول عضو آغاز خواهد شد. «دفتر دادستانی» در پیشبرد و همفکری درباره این تلاش، با «یونسکو» و سایر ذینفعان همکاری نزدیکی خواهد داشت.

به مانند خط مشی های گذشته، این امید دادستان دیوان است که این خط مشی جدید نیز، شفافیت و راهنمای بیشتری را برای «دفتر دادستانی» در تحقیق و تعقیب نظام مند این جرایم فراهم آورد و همچنین به مثابه یک سند مرجع مفید برای کمک به تعقیب در سطح ملی به کارآید.

نیاز به اقدام هماهنگ و متعهدانه

دیوان، یک سازوکار قضایی به غایت مهم است که می تواند از طریق فعالیت های خود شدت این جرایم را برجسته سازد و با مسئول دانستن مرتکبین آن ها، از ارتکاب جرائم مشابه در آینده پیشگیری کند. به بیان دیگر، «دیوان کیفری بین المللی» در مبارزه با بی کیفرمانی در ارتباط با تخریب میراث فرهنگی در قرن جدید بسیار کلیدی است. البته برای آنکه دیوان بتواند تاثیر بیشتری داشته باشد، "صلاحیت جهانی" نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. دولت های بیشتری تشویق به تصویب «اساسنامه رم» و پیوستن به جمع خانواده دیوان می شوند، تا با انجام آن، از حمایت های قانونی که اساسنامه رم تدارک می بیند بهره مند گردند.



دادرسان دیوان، اتهامات متهم را تایید و پرونده آقای "المهدی" را جهت محاکمه ارجاع نمودند. مطابق با برنامه ریزی انجام شده، در ۲۲ اوت ۲۰۱۶ (اول شهریور ۱۳۹۵) محاکمه وی آغاز می شود.

آنچه شایان توجه است آن می باشد که در این پرونده، مظنون از پیش، قصد خود مبنی بر پذیرش اتهاماتش را اعلام کرده است. این مسئله، دست کم، به این دلیل حائز اهمیت است که این امکان را دارد تا روند قضایی را تسریع نماید و در فرجام کار دعوی جبران خسارات را به جریان اندازد که عدالت را برای قربانیان ملموس تر کرده و راه برای آشتی هموار می سازد. این پرونده به دلایل دیگری نیز حائز اهمیت است. این نخستین پرونده نزد دیوان است بر مبنای یک اتهام منفرد و انحصاری یعنی تخریب همراه با التفات ابنیه دینی و تاریخی. نظر به همین واقعیت، پرونده "المهدی" به رویه برجسته ای تبدیل خواهد شد. دوم آنکه، این پرونده تعهد دفتر دادستانی دیوان به تحقیق و تعقیب کردن این جرایم را ثابت می کند، و در نتیجه انجام آن، "شدت" جرایم مزبور را برجسته می سازد. مضافا اینکه، تحقیق و تعقیب موثر چنین جرایمی می تواند اثر بازدارنده داشته باشد. بدیهی است فقدان پاسخ گویی، تاثیر اندکی بر پیشبرد هدف پیشگیری از جرایم دارد.

فراموش نکنیم، «دیوان کیفری بین المللی» حلال تمام مشکلات نیست.

برای حراست کردن از نمادهای بشریت، باید از میراث فرهنگی محافظت کنیم. برای انجام شایسته و موثر این مهم، قطعاً باید مسیر قانون را، به عنوان یک ابزار تنبیهی و بازدارنده در توزیع عدالت به خدمت بگیریم. ما در دفتر دادستانی «دیوان کیفری بین المللی»، به ایفای سهم خود ادامه خواهیم داد.

باید خاطر نشان ساخت که تقدم صلاحیت نسبت به تحقیق و تعقیب این جرایم، در وهله نخست، با مقامات ملی است. دولت ها باید وظایف خود را پاس دارند و تعهدشان را با تصویب اسناد حقوقی بین المللی مربوطه و نیز با اتخاذ و اعمال قوانین اجراکننده، و در واقع با مجهز کردن خود به ابزار قانونی لازم جهت پیگیری و بازداشتن موثر از این جرایم از طریق تعقیب ملی، ثابت نمایند.

به تعبیر دادستان "بن سودا" در افتتاح پرونده /حمد الفقی المهدی: "تاریخ، که تجسم فیزیکی آن بواسطه این حملات در خطر است، نسبت به شکست ما در مراقبت یا [اتخاذ] اقدامی قاطع، سخاوتمندانه نخواهد بود." مصیبت تخریب و حمله حساب شده به اموال فرهنگی باید از طریق اقدام هماهنگ و متعهدانه متوقف شود. هیچ سلسله مراتبی در جنایات جمعی وجود ندارد. این جرایم شدید نیز باید با شدت و حدت برابر با پیگیری سایر جنایات تحت پیگیری واقع شوند.

بدون وجود اثر و ردی از گذشته، مسیر پیش روی ما مبهم خواهد بود. بدون آن پیوندهای کلیدی و بدون آگاهی از اینکه میراث فرهنگی در میان اقوام و ملت های جهان به شکوفایی می رسد، صلح پایدار و جلوگیری از مخاصمه، حتی متزلزل تر و دور از دسترس تر خواهند شد.



www.icicl.org

info@icicl.org

Adress:
5037 JV, the Netherlands

ترجمه توسط:

مرکز حقوق کیفری بین المللی ایران
(با همکاری خانم ملودی خادم مقدم ارسی)